

تحول‌یافتگی من و اختلالات شخصیت : مقایسه دو گروه زندانی و غیرزندان

Ego Development and Personality Disorders in Prisoners vs Non-Prisoners

Hassan Hadinezhad

M. A. in Psychology

حسن هادی نژاد

کارشناس ارشد روان‌شناسی

Abstract

The personality disorders among 60 non-political prisoners of Zanjan's prison and a control group of 60 non-prisoners without a history of mental illness were assessed, using the Millon Clinical Multiaxial Inventory-II (MCMI-II; Millon, 1987). The development of ego among participants also was measured using a questionnaire that included four factors from Cattell's 16 Personality Factor Questionnaire (Cattell, 1965). Results posited that the prisoners scored higher than the non-prisoner in all the subscales of personality disorders except for the obsessive personality subscale. Analysis of measurements of ego development showed that two groups were significantly different in ego strength and emotional sensitivity that prisoner group showed significantly lower level of ego development. Among the prisoners, there were negative correlations between ego strength and avoidant, antisocial, masochistic, and schizotypal personality disorders and positive correlations between emotional sensitivity and borderline personality disorder. The highest scores of prisoner group included the borderline personality disorder and schizoid. A more detailed discussion of the findings is presented.

Key words: personality disorders, ego development, prisoner.

چکیده

اختلالات شخصیت در ۶۰ زندانی غیرسیاسی زندان زنجان و ۶۰ غیرزندان بدون سابقه بیماری روانی (به عنوان گروه مقایسه) با استفاده از فهرست چند محوری بالینی میلون ۲ (MCMI-II؛ میلون، ۱۹۸۷) مورد ارزیابی قرار گرفت. تحول‌یافتگی من شرکت‌کنندگان نیز با استفاده از پرسشنامه‌ای که شامل ۴ عامل از پرسشنامه شخصیتی ۱۶ عاملی کتل (کتل، ۱۹۶۵) بود اندازه‌گیری شد. یافته‌های تحقیق نشان دادند که گروه زندانی در تمام مقیاس‌های اختلالات شخصیت به جز مقیاس شخصیت وسواسی با گروه غیرزندان تفاوت معنادار داشت و سطح بالاتری از اختلالات شخصیت را نشان داد. در مورد تحول‌یافتگی من، در دو بُعد نیرومندی من و حساسیت هیجانی بین دو گروه تفاوت معنادار وجود داشت که در آن گروه زندانی سطح پایین‌تری از تحول‌یافتگی من را نشان داد. در زمینه رابطه تحول‌یافتگی من با اختلالات شخصیت در گروه زندانی نتایج بیانگر رابطه منفی معنادار بین نیرومندی من و مقیاس‌های اختلالات شخصیت اجتنابی، ضد اجتماعی، آزارطلبی، و گسیخته ریخت و رابطه مثبت معنادار بین حساسیت هیجانی و مقیاس اختلال شخصیت مرزی بودند و در نهایت گروه زندانی در دو مقیاس شخصیت مرزی و اسکیزوئید بالاترین نمره‌ها را به خود اختصاص دادند. یافته‌های پژوهش در پرتو نتایج پژوهش‌های پیشین، مورد بحث قرار گرفتند.

واژه‌های کلیدی: اختلالات شخصیت، تحول‌یافتگی من، زندانی.

Contact information : hhadi86@gmail.com

received : 16 Dec 2006

دریافت : ۸۵/۹/۲۶

accepted : 13 Oct 2007

پذیرش : ۸۶/۷/۲۲

مقدمه

آیا مجرمین، مجرم به دنیا می‌آیند یا مجرم پرورش می‌یابند؟ از دیرباز در بین اندیشمندان و جرم‌شناسان دو دیدگاه در مورد شکل‌گیری جرم و بزهکاری مطرح بوده است که یکی از آنها بر نقش وراثت و دیگری بر نقش محیط تأکید کرده‌اند.

دیدگاه ارثی‌نگر بر این باور بود که جرم توسط افرادی صورت می‌گیرد که مجرم زاده می‌شوند و جامعه هر کاری در مورد آنها انجام دهد، آنان سرانجام مرتکب اعمال بزهکارانه خواهند شد، «گویی همواره نشان قابیل بر پیشانی آنان خورده است» (آیسنک^۱، ۱۳۷۵/۱۹۷۷). از پیشگامان این دیدگاه لمبروزو^۲ بود که به عینی‌کردن مسئله جرم پرداخت و در سال ۱۸۸۶ در اثری با عنوان «انسان بزهکار» از نظریه فطری بودن جنایت‌زائی دفاع کرد (منصور، ۱۳۵۱).

در مقابل دیدگاه محیطی‌نگر با نادیده انگاشتن نقش وراثت، جرم را معلول عوامل اجتماعی، مناسبات معیوب در جامعه انسانی و «تعارضهایی که در چهارچوب آن به وقوع می‌پیوندند» می‌دانست (ترک^۳، ۱۹۶۹، کوینی^۴، ۱۹۷۰، چمبلیس^۵ و سیدمن^۶، ۱۹۷۱ نقل از دادستان، ۱۳۸۲). از این دیدگاه، پدیده‌هایی چون فقر، انقلاب، جنگ و تحولات صنعتی عواملی هستند که یکی از پیامدهای آن افزایش جرم است.

اما نه محیط و نه وراثت به تنهایی علت به وجود آمدن جرم نیستند. در قالب یک روی‌آورد تحولی و تألیفی باید به تمام ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی توجه کرد. پایه‌های زیستی آمادگی برای جرم را مهیا می‌سازد. اما کیفیت تحول روان‌شناختی و چهارچوب‌های اجتماعی است که به جرم امکان بروز می‌دهد. این ابعاد قابل تفکیک از یکدیگر نیستند و به نوعی درهم تنیده‌اند. زندگی در عصر حاضر با قرار دادن انسانها در معرض

موقعیتهای تنیدگی‌زا^۷، تجهیزات و توانمندیهای روان-شناختی آنها را به چالش می‌طلبد. این توانمندیها به افراد در تدارک راهبردهای مقابله^۸ با تنیدگی کمک می‌کنند، در ارزیابی از واقعیتهای موجود راهگشا هستند، کیفیت روابط بین شخصی را تنظیم می‌کنند، واکنشهای دفاعی را به راه می‌اندازند و در مهار برانگیختگیها^۹ موثرند. یکی از این توانمندیها، من^{۱۰} تحول یافته و نیرومند است که به بخش قابل ملاحظه‌ای از کنش‌وریه‌های^{۱۱} فرد در قلمروهای مختلف زندگی پوشش می‌دهد (لووینگر^{۱۲}، ۱۹۶۹ نقل از جان، پالز و وستنبرگ، ۱۹۹۸). این سازه روان‌تحلیل‌گری^{۱۳} سالهای متمادی همواره مورد توجه اکثر متخصصان بالینی و درمانگران قرار گرفته است.

اولین نوشته‌ها در مورد من و کنشهای آن، با آثار فروید^{۱۴} و روان‌تحلیلگری سنتی آغاز شد، اما به طور خاص از دهه‌های سوم و چهارم قرن بیستم در قالب روان‌شناسی من^{۱۵} توسط هارتمن^{۱۶} قوت یافت و طی سه دهه اخیر مؤلفانی مانند لووینگر به توصیف مراحل تحول آن پرداخته‌اند.

هارتمن (۱۹۳۹، ۱۹۵۸، ۱۹۶۴ نقل از شیبر و کارور، ۱۹۹۲) افزون بر نقش تعارضی من که مورد توجه روان-تحلیل‌گری سنتی بود بر نقش سازشی بدون تعارض و خودمختار^{۱۷} آن تأکید کرد. پس از آن ویت^{۱۸} (۱۹۵۹، ۱۹۶۳ نقل از شیبر و کارور، ۱۹۹۲) مفهوم انگیزشی من را مورد مطالعه قرار داد. بلاک^{۱۹} و بلاک^{۲۰} (۱۹۸۰) نقل از شیبر و کارور، ۱۹۹۲) توجه خود را به جنبه‌های مهارگری و انعطاف‌پذیری من معطوف ساختند و نهایتاً، لووینگر (۱۹۶۹، ۱۹۷۶ نقل از شیبر و کارور، ۱۹۹۲) بر مبنای توحیددهنده^{۲۱} من و راههایی که این کنش در طول حیات انسان طی می‌کند اشاره کرد.

از آنجا که مجرمان و زندانیان بخشی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و بازخورد افراد جامعه نسبت به آنها

1. Eysenck, M. W.
2. Lombroso, C.
3. Turk, A.
4. Quinney, R.
5. Chambliss, W.
6. Seidman, R.
7. stressor

8. coping strategy
9. impulse
10. ego
11. functioning
12. Lovinger, J.
13. psychoanalysis
14. Freud, S.

15. ego psychology
16. Hartmann, H.
17. autonomy
18. With, R. W.
19. Block, J.
20. Block, J.
21. integrator

نگاهی اجمالی به ضوابط کلی اختلالهای شخصیت - نارسا کنش‌وریه‌های شناختی (ادراکهای نادرست، عقاید هذیانی و باورهای غریب)، عاطفی (تحریک‌پذیری، هیجانهای نامناسب)، مشکلات بین شخصی (انعطاف - ناپذیری در روابط) و ناتوانی در مهار برانگیختگی - بیانگر این نکته است که بخش عمده این نارسا کنش‌وریه‌ها در ارتباط تنگاتنگ با کنشهای من (واقعیت‌سنجی^۵، قضاوت^۶، پردازشهای فکری^۷، واکنشهای دفاعی، مهار برانگیختگی، و قابلیت یکپارچه‌سازی^۸) قرار دارد.

مطالعات انجام شده (برودسکی^۹، ۱۹۷۲، کویینزی^{۱۰} و دیگران، ۱۹۷۵ نقل از دادستان، ۱۳۸۲؛ هوجینز، ۲۰۰۱؛ وارن، بارنت، سات، چوان، بیل، و فرند، ۲۰۰۲؛ فازل و دانش، ۲۰۰۲؛ هارت، ۲۰۰۲؛ نی و فارمن، ۲۰۰۵؛ تیمرمن و املکامپ، ۲۰۰۶) نشان می‌دهند که افراد دارای اختلالهای شخصیت ضداجتماعی و مرزی بیش از سایرین در معرض ارتکاب جرم هستند و برخی از ناتوانیها در آنها دیده می‌شود، «گویی دیوانگی و شرارت در این افراد به هم آمیخته است» (میلون و دیویس، ۲۰۰۰) و اینکه ما این افراد را در ارتکاب جرم کاملاً بی‌اراده بدانیم (با تمام دفاعهای قانونی) چندان پذیرفتنی نیست.

پژوهشهای متعددی در این زمینه به بررسی میزان شیوع اختلالهای شخصیت و مطابقت آن با ضوابط تشخیصی پرداخته‌اند. برای مثال، برودسکی (۱۹۷۲) نقل از دادستان، (۱۳۸۲) براساس جمع‌بندی نتایج ۹ تحقیق آمریکایی که بین سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۷۰ انجام شدند، میزان اختلالهای روانی در متهمان و مجرمان را بین ۱۶٪ تا ۹۵٪ برآورد کرد و متذکر شد که بیشترین فراوانی به اختلالهای شخصیت اختصاص داشته است. کویینزی و دیگران، (۱۹۷۵) نقل از دادستان، (۱۳۸۲) نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که تکرار جرایم خشونت‌آمیز در زندانیان آزاد شده‌ای که تشخیص اختلال شخصیت در مورد آنها عنوان شده بود، به مراتب بیش از آنهایی بود که در مقوله تشخیص روان‌گسستگی قرار گرفته بودند.

حاکمی از بدبینی، نفرت و ترس است، شناخت ساختارهای معیوب روان‌شناختی می‌تواند در پذیرش و بازپروری آنها حائز اهمیت باشد. افزون بر این، در همه جوامع، مجرمان (چه آنهایی که زندانی‌اند و چه آنهایی که در زندان نیستند) هزینه‌های سنگینی بر پیکره اجتماع وارد می‌سازند؛ هزینه‌هایی که به منظور رفع ناپهنجاریهای اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی که مجرمان باعث به وجود آمدن آنها شده‌اند و هزینه‌های اقتصادی که جوامع برای نگهداری و بازپروری مجرمان متحمل می‌شوند. از منظر قضایی نیز احراز وجود ناپهنجاریهای روان‌شناختی در زندانیان و مجرمان می‌تواند در تخفیف مجازاتشان مورد نظر واقع شود. در نهایت، آمار فزاینده جرایم، هنجار-شکنیها و بزهکاریها که نتیجه زندگی رقابتی در جامعه در حال گذار ماست، لزوم شناخت عوامل شکل‌دهنده آنها و اهمیت اجرای چنین پژوهشهایی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

براساس پژوهشهای انجام شده بیش از ۹ میلیون نفر در جهان زندانی هستند که نزدیک به نیمی از آنها مبتلا به اختلالهای شخصیت، به ویژه اختلالهای شخصیت ضداجتماعی^۱ و مرزی^۲ اند (فازل و دانش، ۲۰۰۲).

از سوی دیگر، تحقیقات مختلف ارتباط بین تحول یافتگی من و اختلالهای شخصیت ضداجتماعی و مرزی را نشان داده‌اند. با این حال، در تبیین این رابطه باید به تفاوت اختلالها توجه کرد؛ من تحول نیافته و ضعیف در اختلال شخصیت مرزی نقش دارد، اما من نیرومند همراه با فرامن ضعیف در شکل‌گیری اختلال شخصیت ضداجتماعی مشارکت دارد (میلون و دیویس، ۲۰۰۰). این مسئله تا حد وسیعی منعکس‌کننده عدم توافق روان-تحلیل‌گران درباره متمایز بودن کنش فرامن از من است (مارشال^۳، ۱۹۸۳ نقل از دادستان، ۱۳۸۲). چه بسیاری از کنش‌وریه‌هایی که نظریه پردازان روان‌شناسی من و نو روان-تحلیل‌گران^۴ برای من قائل هستند در روان‌تحلیل‌گری سنتی بخشی از کنشهای فرامن است.

1. antisocial personality disorder
2. borderline personality disorder
3. Marshall, R. J.
4. neo-psychoanalysts

5. reality-testing
6. judgment
7. thought process
8. integration competence

9. Brodsky, S. L.
10. Quinsey, V. L.

فازل و دانش (۲۰۰۲) نیز با تحلیل ۶۲ مطالعه زمینه‌یابی از زندانهای ۱۲ کشور جهان بدین نتیجه رسیدند که ۴۷٪ از زندانیان دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی و ۲۵٪ آنان دارای اختلال شخصیت مرزی هستند. مؤلفان مختلف در بررسی علل شکل‌گیری اختلالات شخصیت، به عوامل متفاوتی استناد کرده‌اند: هوجینز (۱۹۹۶) نقل از هوجینز، (۲۰۰۱) به عوامل موروثی در پیدایش پرخاشگری و رفتار ضداجتماعی اشاره کرده است؛ این عوامل موروثی به حساسیت‌پذیری بالا نسبت به اهانتها اشاره دارند و ظرفیتهای محیطی را محدود می‌کنند. برای مثال مهارت‌های مقابله با تنیدگی یا هوش کلامی، که هم با پرخاشگری و هم با رفتار ضداجتماعی در رابطه است.

مارزیلی، فیلد، کلاسن و آلنیوک (۱۹۹۳) به بررسی رابطه تحول‌یافتگی من و اختلال شخصیت مرزی پرداختند و سطح تحول‌یافتگی آزمودنیها را براساس مقیاس تحول من لووینگر (۱۹۷۶) نقل از شیبر و کارور، (۱۹۹۲) ارزیابی کردند. این مؤلفان دریافتند که افراد دارای اختلال شخصیت مرزی در سطوح اولیه تحول من قرار دارند؛ سطوحی که در آنها رفتارهای برانگیخته و خود محافظت-کننده^۱ هسته اصلی کنش‌وری فرد را تشکیل می‌دهد.

هارت (۲۰۰۲) با بررسی تغییرپذیری درون فردی^۲ گروهی از زندانیان زن که دارای اختلال شخصیت مرزی و خوددوستاندار^۳ بودند به این نتیجه رسید که عدم نظم‌دهی هیجانی^۴ مهمترین عامل تغییرپذیری و ناپایداری است.

در تحقیق دیگری گندن و استیون (۲۰۰۲) رابطه نموافتگی تحولی^۵ و اختلالات شخصیت را مورد مطالعه قرار دادند. آنها نموافتگی تحولی را براساس شاخصهای تحول‌یافتگی من، سبک دفاعی من و نموافتگی کنش‌وری اجتماعی ارزشیابی کردند. نتایج نشان دادند افرادی که دارای سطوح پایین من و نموافتگی کمتر کنش‌وری اجتماعی بودند، نمره‌های بالاتری در مقیاسهای اختلالات شخصیت به دست آوردند و سبک دفاعی ناکارآمدی داشتند. به عقیده این محققان تحول‌یافتگی من می‌تواند

آسیب‌شناسی شخصیت را به خوبی پیش‌بینی کند. با توجه به آنچه یاد شد این تحقیق هدفهای زیر را دنبال می‌کند:

- تعیین نیمرخ اختلالات شخصیت در افراد زندانی و مقایسه آن با افراد غیر زندانی؛

- شناخت میزان تحول‌یافتگی من در افراد زندانی و مقایسه آن با افراد غیر زندانی؛

- رابطه تحول‌یافتگی من و اختلالات شخصیت در افراد زندانی غیر زندانی.

با بررسی پژوهشهای انجام شده در زمینه مورد مطالعه فرضیه‌های زیر تدوین شدند:

اختلالات شخصیت در افراد زندانی بیش از افراد غیر زندانی است.

- سطح تحول‌یافتگی من در افراد زندانی پایین‌تر از افراد غیر زندانی است.

- سطح تحول‌یافتگی من با اختلالات شخصیت رابطه منفی دارد.

روش

جامعه آماری این تحقیق دو جمعیت را در بر می‌گیرد: گروه اول شامل تمام مردان زندانی غیرسیاسی ۱۸ تا ۴۰ سال دارای تحصیلات اول راهنمایی تا دیپلم زندان مرکزی شهر زنجان و گروه دوم شامل تمام مردان غیر-زندان ۱۸ تا ۴۰ سال با تحصیلات اول راهنمایی تا دیپلم شهر زنجان بودند.

نمونه مورد مطالعه نیز دو گروه بود؛ ۶۰ نفر زندانی به عنوان گروه مطالعه و ۶۰ نفر غیرزندان بدون سابقه اختلال روانی که با توجه به ویژگیهای سن، جنس و میزان تحصیلات با گروه مطالعه مطابقت داشتند، به عنوان گروه مقایسه انتخاب شدند. روش نمونه‌برداری برای گروه مطالعه به صورت تصادفی نظامدار^۶ و برای گروه مقایسه به دلیل عدم دسترسی به تعداد دقیق جامعه مورد نظر به صورت اتفاقی^۷ (کرلینگر، ۱۳۷۷ / ۱۹۸۶) انجام شد. در گروه مطالعه تعداد نمونه مورد نظر (۶۰

1. self-protective
2. intraindividual

3. narcissistic
4. emotional dysregulation

5. developmental maturation
6. systematic sampling

7. accidental

این فهرست اولین بار در ایران توسط خواجه موگهی (۱۳۷۲) معرفی و یک مطالعه مقدماتی برای هنجاریابی آن در شهر تهران انجام شد. ضریب اعتبار^{۲۷} آزمون از طریق همسانی درونی^{۲۸} داده‌ها ۰/۸۰ و به روش باز-آزمایی ۰/۸۶ گزارش شده است (خواجه موگهی، ۱۳۷۲). پرسشنامه ۱۶ عاملی شخصیت کتل^{۲۹} (۱۹۶۵) یک ابزار اندازه‌گیری تخصصی عوامل نخستین شخصیت است. عوامل ذکر شده در پرسشنامه کتل از قلمروهای مختلف شخصیت که در برگیرنده قلمرو استعدادها (هوش)، عوامل مزاجی و رگه‌های پویایی پایه (توحید خلق و خو) است، اخذ شده است (کراز^{۳۰}، ۱۳۸۱/۱۹۷۶).

در تحقیق حاضر به منظور ارزشیابی تحول یافتگی من، از چهار عامل پرسشنامه کتل - نیرومندی من (C)، خلق استوار (G)، حساسیت هیجانی (I) و سلطه یا استیلا (E) استفاده شد. این عوامل به کنش‌وریهایی مانند انعطاف‌پذیری، عدم تلقین‌پذیری، تغییرناپذیری بازخوردی، پایداری رفتاری، پیش‌بینی‌پذیری، وظیفه‌سناسی، جامعه‌پذیری و پشتکار (کراز، ۱۳۸۱ / ۱۹۷۶) پوشش می‌دهند که منطبق با مبانی نظری تحول یافتگی من (لووینگر، ۱۹۸۷ نقل از شیر و کارور، ۱۹۹۲) است.

روش اجرای آزمون‌ها به صورت بالانس متقابل^{۳۱} انجام گرفت، بدین صورت که به نیمی از آزمودنیها ابتدا فهرست چند محوری بالینی میلون (MCMI-II) و به نیمی دیگر پرسشنامه شخصیتی کتل ارائه شد تا اثرات تقدم و تأخر احتمالی اجرای آزمونها از بین برود.

تحلیل داده‌ها براساس شیوه‌های زیر صورت پذیرفته است: به منظور مقایسه نمره‌های مقیاس اختلالهای شخصیت در دو گروه زندانی و غیرزندان، تحلیل نیمرخ^{۳۲} به کار برده شد. تحلیل نیمرخ کاربرد ویژه‌ای از تحلیل

نفر) تقسیم بر تعداد جامعه آماری شد و عدد به دست آمده واحدی برای گزینش نظامدار نمونه گروه مطالعه در نظر گرفته شد. در گروه مقایسه نیز که به روش نمونه-برداری اتفاقی بود از نمونه‌های در دسترس استفاده شد. نمونه نهایی که مورد تحلیل قرار گرفت با ریزش ۶ نفر برای گروه مطالعه (۵۴ نفر) و ریزش ۴ نفر برای گروه مقایسه (۵۶ نفر) همراه بود.

در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد:

فهرست چند محوری بالینی میلون دو^۱ (MCMI-II)

توسط میلون (۱۹۸۷) و براساس نظریه زیستی - روانی - اجتماعی و تجربه بالینی و پژوهشی وی ساخته شده است. فرم تجدیدنظر شده (نسخه دوم) آن از ۱۷۵ جمله کوتاه خود - توصیفی با پاسخهای «بله» و «خیر» تشکیل شده که برای اجرای فردی و گروهی مناسب است. این فهرست ۲۲ مقیاس بالینی دارد که متشکل است از: الگوهای شخصیتی^۲ (مقیاسهای گسیخته مانند^۳، اجتنابی^۴، وابسته^۵، نمایشی^۶، خوددوستداری، ضداجتماعی، آزارگری^۷، وسواس - بی‌اختیاری^۸، فعل‌پذیر - پرخاشگر^۹ و آزارطلبی^{۱۰})، الگوهای وخیم شخصیت^{۱۱} (مقیاسهای گسیخته ریختی^{۱۲}، مرزی و پارانوئید^{۱۳}) و نشانگان بالینی^{۱۴} (مقیاسهای اضطراب^{۱۵}، بدنی شکل^{۱۶}، آشفتگی دوقطبی^{۱۷}، کژخویی^{۱۸}، وابستگی الکلی^{۱۹}، وابستگی دارویی^{۲۰}، اختلال تفکر^{۲۱}، افسردگی مهاد^{۲۲} و اختلال هذیانی^{۲۳}). البته با توجه به هدفهای تحقیق نشانگان بالینی، مورد تحلیل قرار نگرفتند.

این فهرست دارای یک عامل تعدیل‌کننده^{۲۴} (X)، یک مقیاس روایی^{۲۵} (V) و دو مقیاس سنجش گرایشهای پاسخ^{۲۶} براساس نظریه میلون (Y و Z) را نیز شامل می‌شود.

- | | | |
|--|------------------------|---|
| 1. Millon Clinical Multiaxial Inventory - II | 12. schizotypal | 23. delusional disorder |
| 2. personality pattern | 13. paranoid | 24. moderator |
| 3. schizoid | 14. clinical syndrome | 25. validity |
| 4. avoidant | 15. anxiety | 26. response tendency |
| 5. dependent | 16. somatoform | 27. reliability |
| 6. histrionic | 17. bipolar manic | 28. internal consistence |
| 7. sadistic | 18. dysthymia | 29. Cattell's 16 Personality Factor Questionnaire |
| 8. obsessive - compulsive | 19. alcohol dependence | 30. Corraze, J. |
| 9. passive-aggressive | 20. drug dependence | 31. counter balance |
| 10. schizoid masochistic | 21. thought disorder | 32. profile analysis |
| 11. severe personality pattern | 22. major depression | |

و مقیاس‌های اختلالات شخصیت در دو گروه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

نتایج

میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های دو گروه زندانی و غیرزندان در مقیاس اختلالات شخصیت در جدول ۱ و نیمرخ آنها نیز در شکل ۱ نشان داده شده است.

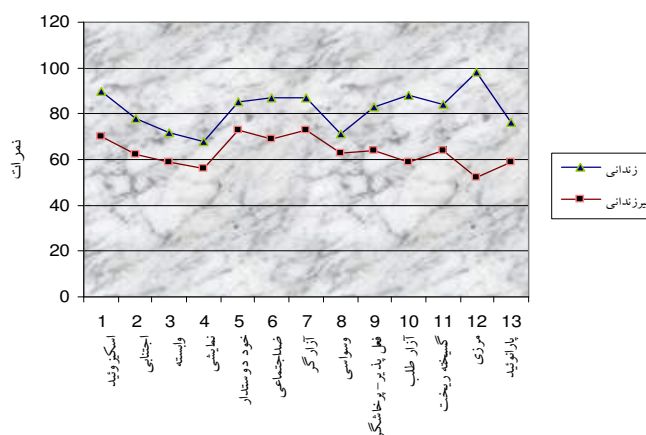
واریانس چند متغیری (MANOVA) است، زمانی که آزمودنیها به صورت تکراری در یک متغیر وابسته یکسان اندازه‌گیری شده و موافق با اندازه‌گیریهای مکرر^۱ تحلیل واریانس (ANOVA) هستند، چرا که داده‌ها با مفروضه کرویت^۲ مواجه نمی‌شوند (تاباکنیک و فیدلر، ۲۰۰۱). همچنین برای مقایسه نمره‌های مقیاس‌های اختلالات شخصیت و ابعاد تحول‌یافتگی من از تحلیل واریانس تک متغیری و برای بررسی رابطه بین تحول‌یافتگی من

جدول ۱: مشخصه‌های توصیفی نمره‌های مقیاس اختلالات شخصیت در دو گروه

غیرزندان		زندانی		مقیاسها
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۱۶/۲	۶۹/۶۷	۴۷/۷	۸۹/۷۸	(۱) اسکیزوئید
۲۴/۸	۶۲/۰۹	۱۸/۲	۷۸/۲۰	(۲) اجتنابی
۲۵/۹	۵۹/۱۸	۱۹/۹	۷۱/۶۷	(۳) وابسته
۲۱/۶	۵۶/۰۹	۱۴/۷	۶۸/۴۳	(۴) نمایشی
۲۲/۷	۷۳/۲۹	۱۸/۷	۸۴/۰۶	(۵) خوددوستدار
۲۲/۱	۶۸/۸۸	۲۱/۹	۸۶/۹۱	(۶) ضداجتماعی
۲۵/۹	۷۲/۵۳	۱۹/۳	۸۷/۰۲	(۶) آزارگر
۲۴/۹	۶۳/۱۸	۲۰/۹	۷۱/۴۱	(۷) وسواسی
۲۸/۹	۶۵/۴۱	۲۵/۸	۸۳/۷۸	(۸) الف) فعل‌پذیر - پرخاشگر
۲۳/۹	۵۹/۳۹	۲۰/۴	۸۵/۵۲	(۸) ب) آزارطلب
۱۵/۹	۶۳/۶۹	۱۹/۶	۸۴/۴۴	(s) گسیخته ریخت
۲۰/۷	۵۲/۳۲	۲۱/۸	۹۸/۳۱	(c) مرزی
۱۹/۴	۵۹/۱۸	۱۶/۴	۷۶/۰۷	(p) پارانوئید

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهند که در گروه زندانی بالاترین نمره‌ها به ترتیب به مقیاس‌های شخصیت مرزی، گسیخته ریخت و ضداجتماعی اختصاص دارند، در حالی که در گروه غیرزندان بالاترین نمره‌ها به ترتیب به مقیاس‌های شخصیت خود دوستدار، آزارگر و گسیخته ریخت اختصاص یافته‌اند.

با توجه به داده‌های جدول ۲ ضمن رد فرض صفر آزمون توازی نیمرخها، می‌توان نتیجه گرفت که فواصل دو گروه زندانی و غیرزندان از یک مقیاس به مقیاس دیگر تفاوت معنادار دارند ($P < 0.01$). همچنین داده‌های جدول ۲ با توجه به رد فرض صفر آزمون همواری



شکل ۱: مقایسه نیمرخ اختلالات شخصیت در دو گروه زندانی و غیرزندان

واریانس نمره‌ها ۲۵/۵٪ است. همچنین مجذور اتای مربوط به آزمون همواری نیمرخها مبین آن است که رابطه بین نوع اختلال و سطح نمره آزمودنیها در اختلال مربوطه شامل ۶۷/۹٪ واریانس مشترک است (جدول ۲).

نیمرخها بیانگر این مطلب است که سطح نمره‌های اختلالهای شخصیت با هم تفاوت معناداری دارند. مجذور اتا برای آزمون توازی نیمرخها نشان می‌دهد نوسان تفاوتی که دو گروه زندانی و غیرزندانان در اختلالهای مختلف شخصیت دارند، نسبت به کل

جدول ۲: مشخصه‌های آزمون توازی و همواری نیمرخهای دو گروه در مقیاس اختلالهای شخصیت

فرضیه	لانداى ويلكز	F	سطح معنادارى	مجذور اتا
توازی نیمرخها	۰/۷۵۴	۲/۶۳۹	۰/۰۰۴	۰/۲۲۵
همواری نیمرخها	۰/۳۲۱	۱۷/۰۷۵	۰/۰۰۱	۰/۶۷۹

آمده نشان می‌دهد که ۲۸٪ از تغییرات نمره‌های اختلالهای شخصیت در آزمودنیها، قابل انتساب به عضویت آنها در گروههای زندانی و غیر زندانی است ($P < ۰/۰۱$).

داده‌های جدول ۳ ضمن رد فرض صفر در مورد تفاوت سطوح نیمرخها نشان‌دهنده آن است که نمره‌های آزمودنیهای زندانی و غیرزندانان در مقیاسهای اختلالهای شخصیت در یک سطح نیستند. مجذور اتای به دست

جدول ۳: مشخصه‌های آزمون تفاوت سطوح نمره‌های دو گروه در مقیاس اختلالهای شخصیت

منبع واریانس	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معنادارى	مجذور اتا
گروه	۱۲۲۵۱۷/۱۸	۱	۱۲۲۵۱۷/۱۸	۴۲/۰۹۹	۰/۰۰۱	۰/۲۸
خطا	۳۱۴۳۰۰/۶	۱۰۸	۲۹۱۰/۱۹			

جدول ۴: مشخصه‌های تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه دو گروه در مقیاس اختلالهای شخصیت

متغیر وابسته	مجموع مجذورها	میانگین مجذورها	F	سطح معنادارى
(۱) اسکیزوئید	۱۱۱۲۵/۴۷	۱۱۱۲۵/۴۷	۸/۸۸۳	۰/۰۰۴
(۲) اجتنابی	۷۱۳۸/۶۹	۷۱۳۸/۶۹	۱۵/۰۲	۰/۰۰۱
(۳) وابسته	۴۲۸۷/۲۸	۴۲۸۷/۲۸	۷/۹۷	۰/۰۰۶
(۴) نمایشی	۴۱۸۳/۹۲	۴۱۸۳/۹۲	۱۲/۱۵	۰/۰۰۱
(۵) خوددوستدار	۳۱۸۸/۶۶	۳۱۸۸/۶۶	۷/۳۶	۰/۰۰۸
(۶ الف) ضداجتماعی	۸۹۳۹/۱۶	۸۹۳۹/۱۶	۱۸/۵	۰/۰۰۱
(۶ ب) آزارگر	۵۷۶۶/۲۶	۵۷۶۶/۲۶	۱۰/۹۹	۰/۰۰۱
(۷) وسواسی	۱۸۶۱/۵۱	۱۸۶۱/۵۱	۳/۵	۰/۰۰۱
(۸ الف) فعل‌پذیر - پرخاشگر	۹۲۷۴/۰۳	۹۲۷۴/۰۳	۱۲/۳۳	۰/۰۰۶۴
(۸ ب) آزارطلب	۱۸۷۶۳/۹	۱۸۷۶۳/۹	۳۷/۸۲	۰/۰۰۱
(s) گسیخته ریخت	۱۱۸۳۴/۳	۱۱۸۳۴/۳	۳۷/۲۲	۰/۰۰۱
(c) مرزی	۵۸۱۵۴/۰۳	۵۸۱۵۴/۰۳	۷/۴۷	۰/۰۰۷
(p) پارانوئید	۷۸۴۷/۵	۷۸۴۷/۵	۲۴/۲	۰/۰۰۱

نتایج حاصل از اجرای تحلیل واریانس تک متغیری برای مقایسه نمره‌های دو گروه در مقیاسهای اختلالهای شخصیت در جدول ۴ منعکس شده‌اند و نشان می‌دهند که دو گروه زندانی و غیرزندان در تمام مقیاسهای

اختلالهای شخصیت به جز مقیاس شخصیت وسواسی با یکدیگر تفاوت معنادار دارند ($P < 0/01$). نتایج به دست آمده فرضیه تحقیق مبنی بر بالاتر بودن نمره‌های این مقیاسها در گروه زندانی را تأیید می‌کنند.

جدول ۵: مشخصه‌های توصیفی دو گروه در ابعاد تحول یافتگی من

کل	غیرزندان		زندان		
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
۴/۶	۱۴/۵۴	۴/۸	۱۵/۶۹	۴/۱	نیرومندی من (C)
۳/۷	۹/۰۸	۳/۷	۹/۵۲	۳/۷۴	سلطه یا استیلا (E)
۴/۱	۱۰/۶	۴/۲	۹/۸۳	۳/۹	حساسیت هیجانی (I)
۲/۹	۱۲/۵۸	۳/۲	۱۲/۱	۲/۳۶	خلق استوار (G)

مقایسه میانگین ابعاد تحول یافتگی من در دو گروه (جدول ۵) نشان می‌دهد که زندانیان در مقایسه غیر-زندانان از من ضعیف‌تر و حساسیت هیجانی بالاتری برخوردارند. نتایج حاصل از تحلیل آماری (جدول ۶) نیز مبین آن است که دو گروه زندانی و غیرزندان در دو بُعد نیرومندی من و حساسیت هیجانی با یکدیگر تفاوت معنادار دارند، به عبارت دیگر، افراد زندانی در نیرومندی من نمره پایین‌تر و در حساسیت هیجانی نمره بالاتری نسبت به افراد غیرزندان به خود اختصاص داده‌اند که هر دو معطوف به کمتر تحول یافتگی من است، اما در دو بُعد سلطه یا استیلا و خلق استوار تفاوت معنادار

مشاهده نمی‌شود.

رابطه بین مقیاسهای اختلالهای شخصیت و ابعاد تحول یافتگی من، با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون بررسی شد. داده‌ها بیانگر آن بودند که در گروه زندانی بین مقیاسهای اجتنابی، ضداجتماعی، آزارطلب و گسیخته ریخت با بُعد نیرومندی من همبستگی منفی و معنادار و بین مقیاس شخصیت مرزی و بُعد سلطه یا استیلا همبستگی منفی معنادار وجود دارد. همچنین در گروه غیرزندان مقیاس خلق استوار با شخصیت مرزی همبستگی مثبت معنادار و با شخصیت پارانوئید همبستگی منفی معنادار وجود دارد.

جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس یک راهه در ابعاد تحول یافتگی من به تفکیک دو گروه

متغیر وابسته	مجموع مجذورها	میانگین مجذورها	F	سطح معناداری
نیرومندی من (C)	۱۵۰/۴۷	۱۵۰/۴۷	۷/۴۸۲	۰/۰۰۷
سلطه یا استیلا (E)	۲۲/۰۹	۲۲/۰۹	۱/۵۸۳	۰/۲۱۱
حساسیت هیجانی (I)	۷۵/۱۵	۷۵/۱۵	۴/۵۹۲	۰/۰۳۴
خلق استوار (G)	۲۴/۰۶	۲۴/۰۶	۲/۹۷۵	۰/۹۸۷

تفاوت در سطح تحول یافتگی من در دو گروه نیز با استفاده از تحلیل واریانس ارزیابی شد و بخشی از فرضیه دوم تحقیق مورد تأیید قرار گرفت (جدول ۶).

بحث

در وهله اول نتایج این تحقیق بیانگر تفاوت آشکار و معنادار بین نمره‌های دو گروه زندانی و غیرزندان در مقیاسهای اختلالهای شخصیت بود. این تفاوت به صورت

باشد. در مورد مقیاس اجتنابی باید خاطر نشان ساخت که راهبردهای سازشی این افراد ترس و عدم اطمینان به دیگران را منعکس می‌کنند. آنها تنها به وسیله کناره‌گیری فعال می‌توانند از خود مواظبت نمایند و به‌رغم تمایل به برقراری ارتباط، بهترین شیوه را انکار این احساسها و رعایت حدی از فاصله بین فردی می‌دانند (میلون و دیویس، ۲۰۰۰؛ مارنات، ۱۳۸۴/۲۰۰۳).

در توضیح ویژگیهای مقیاس آزارطلبی و رابطه آن با ضعف من نیز اشاره به موارد زیر خالی از فایده نیست: این افراد با چاپلوسی و از خودگذشتگی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند. به دیگران اجازه می‌دهند و یا حتی آنها را ترغیب می‌کنند که از آنها سوء استفاده کنند. توجه آنها بیشتر به بدترین جنبه‌های خود معطوف می‌شود و خود را سزاوار تحقیر و سرافکندگی می‌دانند. به طور تکرارشونده و فعال بدبختیهای گذشته خود را یادآوری می‌کنند، همچنین شرایط خوب را هم تبدیل به وضعیتی می‌کنند که بالقوه بیشترین پیامدهای مشکل‌زا را برایشان به بار می‌آورد. با تشدید نقصهای خویشتن، خود را در یک وضعیت رقت انگیز و جایگاه پایین قرار می‌دهند. از نظر شناختی بی‌ثبات و متمایل به استفاده از مکانیزم نارزنده-سازی^۲ هستند (مارنات، ۱۳۸۴/۲۰۰۳).

در مورد رابطه تحول‌یافتگی من با مقیاسهای اختلالهای شخصیت، نتایج تحقیق رابطه قوی‌تری بین بُعد نیرومندی من و مقیاسهای اختلالهای شخصیت نشان می‌دهد. یافته‌ها مبین این امر هستند که در زندانیان بُعد نیرومندی من با مقیاس شخصیت ضداجتماعی رابطه منفی معنادار دارد و بیانگر ناتوانی در مهار برانگیختگی، عدم تنظیم هیجانی و زیر پا گذاشتن قوانین و هنجارهای اجتماعی در این افراد است. این یافته‌ها با نتایج پژوهشهای مارزیلی و دیگران (۱۹۹۳) و گندن و استیون (۲۰۰۲) همسو هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهند افرادی که در مقیاس شخصیت مرزی نمره‌های بالاتری گرفته‌اند در بُعد سلطه یا استیلا نمره‌های پایین‌تری دارند. آنها به آسانی متزلزل می‌شوند، دارای روابط ناپایدار هستند و

یک نیمرخ شاخص از سازمان‌یافتگی اختلالهای شخصیت در گروه زندانی نمایان شد. همانطور که در شکل ۱ مشاهده شد نمره‌های گروه زندانی در تمام مقیاسهای اختلالهای شخصیت بالاتر از گروه غیرزندانی است که با نتایج پژوهشهای فازل و دانش (۲۰۰۲)، نی و فارمن (۲۰۰۵) و تیمرمن و املکامپ (۲۰۰۶) هماهنگ است. این تفاوت از زاویه بالینی نیز حائز اهمیت است، چرا که بالاتر بودن نمره‌ها در گروه زندانی مرضی است اما حتی بالاترین مقیاس در گروه غیرزندانی (خود دوستداری) هم جنبه آسیب‌شناختی ندارد. این یافته در چهارچوب نظری، با دیدگاه کرنبرگ (۱۹۹۶) که هسته اصلی سازمان‌یافتگی اختلالهای شخصیت را دو اختلال شخصیت گسیخته ریخت و مرزی می‌داند منطبق و در گروه زندانی قابل مشاهده است.

در آنچه مربوط به پایین‌تر بودن تحول‌یافتگی من در افراد زندانی است نتایج حاکی از آن است که ابعاد تحول‌یافتگی من در دو گروه متفاوت است؛ در بُعد نیرومندی من زندانیان در مقایسه با گروه غیرزندانی دارای من ضعیف‌تر و در بُعد حساسیت هیجانی دارای حساسیت هیجانی بالاتر هستند که هر دو مورد نمایانگر تحول‌یافتگی کمتر من در گروه زندانی است. من ضعیف همراه با هیجان‌پذیری بالا در این افراد موجب ایجاد برانگیختگیهای شدید در مواجهه با محرکها و ناتوانی در مهار آنها می‌شود. در این زمینه نیز این یافته‌ها با نظر کرنبرگ در مورد سازمان‌یافتگی الگوهای ناپهنجار شخصیت همسو است؛ طبق نظر کرنبرگ (۱۹۹۶) بدون یک من خوب - توحید یافته^۱ فرد تعادل اندکی در بازداریهایی فرامن در برابر فورانهای تصادفی برانگیختگیهای بن، که به وسیله شرایط بیرونی به راه انداخته می‌شوند، خواهد داشت.

این یافته‌ها این نکته را نیز نشان دادند که در گروه زندانی، نمره‌های مقیاسهای اجتنابی و آزارطلب با نیرومندی من همبستگی بیشتری دارند. به نظر می‌رسد این رابطه می‌تواند انعکاسی از وضعیت آنها به عنوان افراد زندانی با سابقه ارتکاب مکرر جرم و زندانی شدن

به دیگران وابسته‌اند.

بخش دیگری از نتایج مربوط به بالابودن نمره‌های دو مقیاس شخصیت مرزی و گسیخته ریخت در گروه زندانی است. روابط ناپایدار عاطفی و واکنشهای شدید هیجانی از ویژگیهای بارز شخصیت مرزی است که در اغلب زندانیان وجود دارد و به بروز بازخوردی منجر می‌شود که همراه با بی‌اعتمادی از جانب افراد جامعه نسبت به آنهاست و ایجاد حصار و محدودیت در روابط با افراد جامعه را در پی دارد. همچنین ترس واقعی یا خیالی آنها از طردشدن که در گزارشهای افراد زندانی به فراوانی دیده می‌شود، نقش مهمی در ایجاد پرخاشگری نسبت به مرجع طردکننده و ارتکاب جرم دارد.

دومین مقیاسی که بالاترین نمره در گزارشهای زندانیان را به خود اختصاص داده مقیاس شخصیت گسیخته ریخت است که با نشانه‌هایی مانند فقدان تمایل و ناتوانی در تجربه لذت یا درد مشخص می‌شود. این افراد بی‌تفاوت، بی‌حال و سست، دیر آشنا، سرد و غیر اجتماعی هستند. نیازهای محبت‌آمیز و احساسهای هیجانی آنها کم است و در کنش‌وریه‌های فردی مانند یک مشاهده‌گر فعل‌پذیر هستند که از تقویتها و عواطف در روابط بین فردی و خواسته‌های دیگران کناره‌گیری می‌کنند. این ویژگیها هم به نوبه خود می‌توانند دلیل مضاعفی برای طرد آنها از منظومه‌های اجتماعی باشند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که در گروه زندانی با ضوابط عمومی اختلالهای شخصیت مواجه هستیم که در رابطه با من ضعیف و حساسیت هیجانی بالا قرار گرفته است. معمولاً اکثر جرایم به خاطر ناتوانی در مهار برانگیختگیهای پرخاشگرانه و جنسی که از کنشهای مهم من است (فروید، ۱۹۸۶؛ لووینگر، ۱۹۶۹ نقل از جان و دیگران، ۱۹۹۸) صورت می‌گیرد. من تحول نیافته به فرد اجازه می‌دهد تا به راحتی برانگیختگیهای خود را به سوی بیرون (افراد و اشیا) معطوف کند.

شاید بتوان مهمترین محدودیت تحقیق حاضر را عدم دسترسی به یک آزمون مناسب برای اندازه‌گیری سطح تحول یافتگی من دانست، زیرا ۴ زیرمقیاس پرسشنامه

۱۶ عاملی شخصیت کتل برای ارزیابی تحول یافتگی من، به تمام کنش‌وریه‌های من پوشش نمی‌دهد. پیشنهاد می‌شود در بررسیهای آینده هنجارگزینی آزمون تکمیل جمله‌های دانشگاه واشنگتن^۱ (WUSCT)، لووینگر و ولسر، (۱۹۷۰) که به منظور سنجش تحول یافتگی من ساخته شده مورد توجه قرار گیرد. از آنجاکه نمونه تحقیق محدود به زندانیان شهر زنجان بود، در تعمیم نتایج آن به سایر مناطق جغرافیایی باید احتیاط شود. همچنین وضعیت اقتصادی - اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی متغیرهای تأثیر-گذاری هستند که می‌توانند بخشی از موضوع پژوهشهای آینده باشند.

منابع

- آیسنک، ا.ج. ج. (۱۳۷۵). *جرم و شخصیت*. ترجمه: ح. پاشاشریفی و ج. نجفی زند. تهران: سخن (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۷۷).
- خواجه موگهی، ن. (۱۳۷۲). *آماده‌سازی مقدماتی فرم فارسی پرسشنامه بالینی چند محوری میلون ۲ (MCMII-2)*. پایان نامه کارشناسی ارشد. انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- دادستان، پ. (۱۳۸۲). *روان‌شناسی جنایی*. تهران: انتشارات سمت.
- کراز، ژ. (۱۳۸۱). *بیماریهای روانی*. ترجمه: م. منصور و پ. دادستان. تهران: رشد (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۷۶).
- منصور، م. (۱۳۵۱). *زمینه بزهکاری کودکان و نوجوانان*. تهران: شرکت سهامی چهر.
- کرلینگر، ف. ان. (۱۳۷۷). *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*. ترجمه: ح. پاشا شریفی و ج. نجفی زند. تهران: آوای نور (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۸۶).
- مارنات، گ. گ. (۱۳۸۴). *راهنمای سنجش روانی (جلد اول)*. ترجمه: ح. پاشاشریفی و م. نیکخو. تهران: رشد (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۳).

Cattell, R. B. (1965). *The scientific analysis of personality*. Baltimore: Penguin Books.

Fazel, S., & Danesh, J. (2002). *Serious mental disorder in 23000 prisoner: A system review of 62 surveys*. Oxford: Lancet.

Freud, A. (1986). *Ego and the mechanisms of defen-*

- (1993). The assessment of ego development in borderline personality disorder. *Canadian Journal of Psychiatry*, 38, 378-391.
- Millon, T. (1987).** *Manual for the MCMI-II (2nd Ed.)*. Minneapolis, MN: National Computer Systems.
- Millon, T., & Davis, R. (2000).** *Personality disorders in modern life*. USA: Wiley Press.
- Nee, C., & Farman, S. (2005).** Female prisoners with borderline personality disorder: Some promising treatment developments. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 15 (1), 2-16.
- Scheier, M. F., & Carver, C. S. (1992).** *Perspective on personality*. New York: Penguin Press.
- Tabacknick, B. G., & Fidell, L. S. (2001).** *Using multivariate statistics*. Boston: Allyn Bacon.
- Timmerman, I. G. H., & Emmelkamp, P. M. G. (2006).** The relationship between attachment styles and cluster B personality disorders in prisoners and forensic inpatients. *International Journal of Law and Psychiatry*, 29, 48 – 56.
- Warren, J. I., Burnette, M., South, S. C., Chauhan, P., Bale, R., & Friend, R. (2002).** Personality disorders and violence among female prison inmates. *Journal of American Academic Psychiatry Law*, 30 (4), 502-9.
- se. London: Karnac Book.
- Genden, H., & Steven, H. (2002).** Maturity and personality: A study of the relationship between development maturity, ego defenses, and personality disorders. *Dissertation Abstract International*, 56 (2-B), 1106-18.
- Hodgins, S. (2001).** The major mental disorders and crime: Stop debating and start treating and preventing. *International Journal of Law and Psychiatry*, 24, 427-446.
- Hurt, S. (2002).** *Personality disorders in female prisoners: Interindividual variability in borderline and narcissistic criteria*. Dissertation, University of Virginia.
- John, O. P., Pals, J. L., & Westenberg, P. M. (1998).** Personality prototype and ego development: conceptual similarities and relation in adult women. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74 (4), 1093-1108.
- Kernberg, O. F. (1996).** A psychoanalytic theory of personality disorders. In : J. F. Clarcian & M. F. Lenzenwenger (Eds.), *Major theories of personality disorder*. New York: Guilford press.
- Loevinger, J., & Wessler, R. (1970).** *Measuring ego development (Vols. 1-2)*. San Francisco, CA: Jossey-Bass, Inc.
- Marzili, E., Field, N., Classen, C., & Oleniuk, J.**